

دلایلی قلبی برای سیاستی ضد انسانی و راست

نقد و بررسی سیاست پناهندگی دولت انگلیس

مریم نمازی، دبیر، همبستگی _ فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

۲۵ ژوئن ۲۰۰۲

دولت انگلیس جنگ تمام عیارش بر علیه پناهجویان را تشدید کرده است. برنامه هایی همچون "مراکز زیستی" که در واقع زندانند، جدایی کودکان پناهجو از مدارس عمومی، افزایش مأمورین اداره مهاجرت در فرودگاههای کشورهای دیگر، افزایش محدودیتهای ویزایی، ایجاد یک "لیست سفید" از کشورهای "امن"، انتشار کارتهای هویتی برای پناهجویان تا امکانات اجتماعی آنان محدود شود، دیپورت دسته جمعی پناهجویان از سوی نیروهای هوایی تنها نمونه هایی از این طرح است. این طرح ۱۲ ژوئن ۲۰۰۲ در "مجلس عوام" بتصویب رسید و بزودی در "مجلس لردها" مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

این طرح در واقع ادامه همان سیاستهای قدیمی است که پس از دوران جنگ سرد هدفش جلوگیری از فرار پناهجویان بوده است. بعد از اتمام جنگ سرد، حق و حقوق پناهندگی برای این دولتها دیگر موضوعیت ندارد. در آن موقع با استناد به آن خود را مدافعین "حقوق بشر" در تقابل با بلوک شرق جلوه می دادند و امروز برای حقانیت بخشیدن به سیاستهای به غایت راست و ضد انسانی شان از فاجعه ۱۱ سپتامبر، رشد راست افراطی در پارلمانهای اروپایی، و یا مدارس و سرویسهای اجتماعی ورشکسته بهانه می سازند تا بدینوسیله سیاستهای خود علیه پناهجویان را تقویت و توسعه دهند. آنها پناهجویان را مقصر سیاستهای ورشکسته خود و نومییدی و بدگمانی مردم به سیستم پارلمانی را عامل اصلی می نامند.

IFIR Secretariat
PO Box 27236
London N11 2ZF
England

www.hambastegi.org

با یک نگاه کوتاه به دلایل پوچ و قلابی دولت انگلیس برای حقانیت بخشیدن به سیاستهای ضد انسانی اش حقیقت آشکار می شود.

* "تونی بلر" میگوید "یک نظم و قوانینی باید در سیستمی که مردم وارد اروپا می شوند وجود داشته باشد." چیزی که نمی گوید این است که اصولاً هیچ راه قانونی برای ورود پناهیجویان به اروپا وجود ندارد، چرا که همه راهها را بسته اند. بهرحال به موج پناهندگی هیچگاه نمیتوان نظم بخشید. پناهندگی تابعی از حملات و خشونت بی رویه و منظم و غیر منظم دولتها به حقوق و زندگی مردم است.

* دولت انگلستان تصمیم دارد که کمک اقتصادی به کشورهایی مانند ترکیه را که جلوی راه "مهاجران غیر قانونی" (کلمه رمز برای پناهیجویان) به اروپا را نمیگیرند قطع کند. دولت انگلیس بیان میکند که این تلاشها برای جلوگیری از ورود "پناهندگان واقعی" نیست. اولین سوآلی که این گفته به ذهن میآورد اینست که دولت انگلیس چگونه میتواند تشخیص دهد که چندین "پناهنده واقعی" دارند بازگردانده می شوند وقتی حتی بدون دسترسی به یک پروسه تصمیم گیری پناهندگی بلافاصله بازداشت و دیپورت صورت می گیرد. درست بعد از تحدیدات "بلر"، دولت ترکیه صدها پناهجو را بازداشت و به کشورهایی که از آنان فرار کرده بودند، دیپورت کرد. همین معلوم می کند که هدف این طرحها این نیست که از "پناهندگان واقعی" حمایت شود، بلکه "کاهش رادیکال" تعداد متقاضیان است که خودشان مکرراً گفته اند. سال گذشته نیز دولت انگلیس و رژیم اسلامی ایران به دولت بوسنی فشار سیاسی وارد آوردند تا آن کشور از ایرانیان ویزا بخواهد چون تعداد زیادی از آن طریق به اروپا می آمدند. بعد از اعمال ویزا، ایرانیان بلافاصله از جزو رده پنجم و نسبتاً بالای متقاضیان پناهیجویی اروپا خارج شدند.

* به گفته "بلر"، این طرحها کمک به کاهش تعداد "متقاضیان غیر واقعی" میکند. در واقع اما، افرادی که او "غیر واقعی" میپندارد، افرادی هستند که از ظلم و آزار و سرکوب گریخته اند. بسیاری از آنها از کشورهایی مثل

IFIR Secretariat
PO Box 27236
London N11 2ZF
England

www.hambastegi.org

ایران، عراق، کردستان عراق و افغانستان فرار میکنند. این کشورها یکی از اصلی‌ترین سرچشمه‌های موج پناهندگی در دو دهه گذشته بوده‌اند و جزو لیست بیشترین متقاضیان پناهندگی در اروپا هستند. در گذشته، بسیاری از آنان بعنوان پناهنده شناخته می‌شدند و یا حداقل اجازه ماندن را داشتند. امروز اما، اکثراً آنها را "مهاجران غیر قانونی" مینامند. ارقام قبولی پناهندگان بشدت کاهش یافته در حالیکه شرایطی که باعث پناهندگی می‌شود تغییری اساسی نکرده و حتی در بعضی موارد بدتر هم شده است. همچنین اگر به ارقام قبولی در کشورهای متفاوت نگاهی بیاندازید به رابطه مستقیم رژیم اسلامی و دولتهای اروپایی پی میبرید. ارقام قبولی یا ردی بستگی مستقیم به روابط سیاسی و اقتصادی بین کشورهای پناهنده پذیر و رژیمهای پناهنده گیر دارد. دولت انگلستان با رژیم اسلامی ایران روابط سیاسی و اقتصادی دارد. این را به روشنی می‌توان در دلایل ردی پناهجویان ایرانی دید. در نامه‌های ردی که بررسی کرده ایم این دلایل مکرراً برای ردی پناهجویان داده شدند:

چند نمونه از دلایل ردی مربوط به فرار:

۱- وزیر امور داخله بیان داشته است که مدارک جعلی یا عدم ارائه مدرک از اعتبار کیس متقاضیان میکاهد. (هر چند همیشه یک نرم شناخته شده بین المللی بوده که بسیاری فرار می‌کنند قبل از اینکه اول مدارک لازم را از رژیمهای مستبد تحویل بگیرند.)

۲- وزیر امور داخله بیان داشته است که اگر تقاضای این افراد واقعی میبود، آنها در کشوری که از آن عبور کردند، میبایست تقاضای پناهندگیشان را میدادند. این نشانه این است که پناهجویان تمایلشان به ورود در کشور دلخواهشان بیشتر است تا تقاضای واقعی برای پناهنده شدن. (این نیز بر اعتبار متقاضی تأثیر منفی میگذارد هر چند این نرم در گذشته جزو پروسه پناهندگی نبوده است.)

۳- به یک متقاضی گفته شده است که چون به مدت دو روز در ترکیه بوده است، او فرصت داشته که در آنجا

IFIR Secretariat
PO Box 27236
London N11 2ZF
England

www.hambastegi.org

تقاضا پناهندگی‌اش را بدهد و عدم اقدامش شک بر انگیز است و به اعتبارش لطمه می زند. (چیزی که نمی گوید این است که ترکیه از تنها کشورهای است در دنیا که فقط به پناهجویان اروپایی پناهندگی میدهد. همچنین بخاطر نزدیکی‌اش به ایران، سیاستها و پلیس وحشیانه اش و پروسه ناعادلانه سازمان ملل (UNHCR)، برای خیلی ها یک آلترناتیو واقعی نیست.)

هر کسی که یک روز هم با پروسه پناهندگی سر و کله زده است می داند که اعتبار پناهجو یکی از مهمترین عوامل در قبولی‌اش است. با آوردن دلایل و برهانهای متناقض با نرمهای پناهندگی و ایجاد شک در اعتبار متقاضیان، دولت انگلیس پناهجویان را کرور کرور رد می کند قبل از اینکه حتی دلایل فرار پناهجویان را بررسی کند.

با بررسی دلایل ردی بر اساس شرایط ایران میتوان به موضعگیری دولت انگلیس که به نفع رژیم اسلامی است پی برد. حمایتش از پایمالی حقوق مدنی بر اساس مفهوم راسیستی نسبییت فرهنگی کاملا روشن است.

چند نمونه از دلایل ردی بر اساس شرایط در ایران:

۱- وزیر امور دخله میگوید که "پیشرفتهای قابل توجه ای در زمینه آزادی بیان شده است." (این غیر واقعی است. اینکه سران دولت، ملایان و طرفداران جناحهای مختلف رژیم روزنامه چاپ میکنند، هیچ ربطی به آزادی بیان مردم در ایران ندارد.)

۲- وزیر امور داخله میگوید که "در اوت ۱۹۹۷ خاتمی یک سیاستمدار متعادل به ریاست جمهوری انتخاب شد. تلاشهای او برای معرفی رفرم ادامه دارد. چشم انداز بهبود در وضعیت حقوق بشر با انتخاب خاتمی قوی تر شده است و ظاهرا ایران در مرحله اولیه انتقالی می باشد. برنامه های خاتمی برای ایجاد یک جامعه تفرات و متنوع

IFIR Secretariat
PO Box 27236
London N11 2ZF
England

www.hambastegi.org

ادامه دارد. وزیر امور داخله انگلیس که نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایران را زیر نظر دارد بر این عقیده است که نشانه عبور تدریجی از یک نظم سختگیر اسلامی به یک جامعه تلرانت تر و متنوعتر است که به حکومت قانون و آزادیهای فردی مانند بیان احترام خواهد گذاشت." (اولا که خاتمی جزئی از خود رژیم اسلامی است. او نه تنها هیچ رفرمی ایجاد نکرده بلکه در طول رئیس جمهوریش وضعیت "حقوق بشر" بدتر هم شده است. در هر صورت از کی تا حالا تصمیم گیریهای پناهندگی بر اساس برنامه ریزیها و چشم اندازهای آینده یک دولت مستبد انجام میگیرد؟)

۳- وزیر امور داخله میگوید که "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل انتظارات مردم برای پیشرفتهای محسوس در حقوق بشر و آزادی بیان را برسمیت شناخته است. تلاشهای درون جامعه برای مسئول دانستن دولت در قبال سیاستهای حقوق بشرش بیشتر شده است." (آخر انتظارات مردم و تلاشهایشان چه ارتباطی به رژیم اسلامی دارد؟)

۴- در جواب ردی پناهجویی که در سالگرد تظاهرات دانشجویی به خانه اش ریختند تا دانشجویانی را که به چاپ و انتشار مخفیانه مقالات پرداخته بودند را دستگیر کنند، نوشته اند: "تقاضای پناهندگی شما مثالی از تعقیب قانونی است و نه مورد آزار و اذیت قرار گرفتن شما. اگر اتهامی بر علیه شما صادر شده است و در صورت بازگشتتان ادامه پیدا می کرد، شما میتوانید انتظار یک دادگاه عادلانه و یک قضاوت مستقل داشته باشید." (این حتی متناقض با گزارش وزارت داخله انگلیس در رابطه با وضعیت ایران است که میگوید: سیستم سنتی دادگاهها مستقل نمیباشد و تحت نفوذ دولت و مذهب عمل میکنند. قوه قضائیه طوری طراحی شده است تا متناسب با اصول قرآن، سنت و سایر اصول اسلامی باشد. بند ۱۵۷ میگوید که رئیس قوه قضائیه باید یک روحانی باشد و توسط خامنه ای انتخاب شده باشد. رئیس دیوان عالی و دادستان کل نیز باید روحانی باشند. دادگاههای انقلاب اسلامی در ۱۹۷۹ تشکیل شدند تا به جرمهای سیاسی و مواد مخدر و جرمهای علیه خدا و غیره رسیدگی کنند. در دادگاههای انقلاب جرمهای مربوط به امنیت کشور و جرمهای اساسی دادگاهی میشوند که بخاطر زیر پا گذاشتن استانداردهای بین المللی معروفند. قاضی دادگاههای انقلاب نقش قاضی و دادستان را در همان کیس

IFIR Secretariat
PO Box 27236
London N11 2ZF
England

www.hambastegi.org

بازی می کنند. قضات بر اساس اعتقادات ایدئولوژیکی به سیستم انتخاب میگردند.)

۵- در یک نامه ردی دیگر نوشته شده است که: به خانه شما ریختند و عکسها و کارتهای شناسایی را بردند. وزیر امور داخله عقیده دارد که شما بخاطر داشتن چنین ماتریالهایی، به جز بازجویی روتین مورد جریمه سنگینی قرار نخواهید گرفت. (هر کس که رژیم اسلامی را بشناسد میدانند که شکنجه در این بازجویی روتین میباشد.)

۶- در جواب ردی به یک خانم پناهجو نوشته شده است: "شما شلاق خوردید، مورد بدرفتاری قرار گرفتید، و سه ماه و نیم بازداشت شدید. در حالی که قصد نداریم اینها را مورد اغماض قرار دهیم، اما لازم به یادآوری است که شما بدون هیچ اتهام قانونی و بدون دادگاهی آزاد شدید."

۷- در یکی دیگر از نامه های ردی آمده است که: "گزارش پزشکی فرد مذکور، مبنی بر تائید شکنجه وی نمیتواند مورد قبول باشد، چرا که در آن اسم عاملی که مسبب جراحات وارده بوده، قید نشده است."

۸- یا در جواب خانمی که شکنجه شده بوده، آمده است که: "هنگام تشریح اذیت و آزاری که در زندان دیده اید، به اقداماتی شکنجه مانند مثل محرومیت از غذا، معلق آویزان کردن و کتک زدنهای روزانه اشاره کرده اید. ولی با وجود این ادعا میکنید که توانسته اید از تجاوز جنسی توسط زندانبانان جلوگیری کنید." اینجا ناگهان وقتی به نفعشان است میگویند: "وزیر امور داخله از شرایط سخت زندانهای ایران مطلع است و میداند که تجاوز جنسی وسیعا اتفاق میافتد. در نتیجه ایشان نمیتواند بپذیرد که تجاوز و آزارهای جنسی از جمله شکنجه هائی هستند که زندانی خود میتواند انتخاب کند. و به همین دلیل به این نتیجه می رسد که شما در بهترین حالت اغراق کرده اید."

۹- در مورد یک متقاضی کرد نوشته شده است: "در مجموع تبعیض بر اساس قومیت در ایران وجود ندارد."

IFIR Secretariat
PO Box 27236
London N11 2ZF
England

www.hambastegi.org

۱۰- در جواب یک کمونیست و آته ایست آمده است که "قانون اساسی ایران خواهان احترام به حقوق بشر افراد غیر مسلمان می باشد بشرط اینکه بر علیه اسلام و یا جمهوری اسلامی توطئه و اخلال نکنند.

۱۱- به پناهجویی که توانسته بوده از دست یورش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به یک جلسه محفی فرار کند گفته اند: وزیر کشور نمیتواند بپذیرد که ایشان تنها فردی بوده که توانسته از دست نیروهای مسلح اسلامی فرار کند."

۱۲- به پناهجوئی که در تظاهراتی که مورد حمله پلیس واقع شده، گفته شده است که ایشان باید ثابت کند که "این تیراندازی پلیس در جمعیت یک عمل تصادفی از سوی افرادی در پلیس نبوده و هدفش افراد مشخص بطور تبعیض آمیزی بوده است."

۱۳- در جواب تقاضای پناهندگی یک فعال کارگری آمده است که: "طبق قانون اساسی ایران تجمع و تظاهرات آزاد است بشرطی که پرنسپهای اسلامی را نقض نکند". شما غالبا اعتصاب می کردید. با وجود اینکه میدانستید که اعتصاب کردن جرم است، بازهم به شرکت در آنها ادامه دادید. از آنجا که میدانستید این جرم است حتما از عواقب آنها هم مطلع بودید و مایل بودید که خطرات آن را بپذیرید."

۱۴- در جواب ردی فردی که بعد از صدور احضاریه جهت دستگیری اش فرار کرده بود، آمده است "وزیر امور داخله نظر دارد که این احضاریه جهت دستگیری شما برای شرکت در یک تظاهرات غیر قانونی نمونه تعقیب پلیسی بخاطر انجام یک جرم است نه ستم.

۱۵- به زنی که بخاطر تبعیض جنسی از ایران فرار کرده گفته شده "میزان بالائی از جدائی بین زن و مرد در

IFIR Secretariat
PO Box 27236
London N11 2ZF
England

www.hambastegi.org

ایران لازم است. چندین مقام دولتی توسط زنان اشغال شده است. با در نظر گرفتن امکاناتی که برای زنان وجود دارد (هر چند محدود) وزیر امور داخله نمی تواند این را قبول کند این نمایان تبعیض به اندازه کافی جدی است." (شرایط زنان که تحت حکومت آپارتاید جنسی زندگی میکنند، بنظر آنها به اندازه کافی جدی نیست!)

۱۶- برای کسی که بعد از دریافت احضاریه مخفی شده و سپس از ایران فرار کرده است درج شده که: "وزیر امور داخله معتقد است که اگر شما احضاریه ای دریافت کردید و احضار نشدید، مقامات دلیل برحقی دارد که دنبال شما بگردند."

۱۷- به کسی که مقامات کشف کرده اند که وی کتاب سلمان رشدی را داشته گفته شده: "مقامات ایرانی میدانستند که شما کتاب سلمان رشدی را دارید. این یک جرم جنایی است. شما میدانستید این کتاب ممنوع بود و آگاهانه قانون آن مملکت را شکسته اید. برای اینکه پناهندگی شامل شما شود باید نشان دهید که یا قانون استاندارد های حقوق بشر را رعایت نمیکند و یا در کاربرد آن تبعیض وجود دارد. شما در اثبات این هر دو نکته عاجز بوده اید."

۱۸- در جواب کسی که برای برابری زن و مرد مبارزه کرده است، نوشته شده "قانون اساسی حقوق برابر برای زنان و مردان واگذار می کند. این مطابق معیار اسلامی دارد. ماده ۲۱ قانون اساسی می گوید که دولت حقوق زنان را در تمام موارد تضمین میکند." (اینجا یادشان رفته ادامه جمله قانون اساسی را هم بیاورند "مطابق معیارهای اسلامی".)

۱۹. به کسی که هنگام حمله به خوابگاه دانشجویان آنجا بوده است گفته شده: "دانشجویان با نیروهای بسیج درگیر شدند و شما هم در این درگیریها حضور داشتید. وزیر امور داخله معتقد است که لازم بود مقامات بسرعت اقدام کنند تا هر نوع آشوب غیر قانونی را فرو بنشانند." و این لیست همچنان ادامه دارد.

IFIR Secretariat
PO Box 27236
London N11 2ZF
England

www.hambastegi.org

اساساً این دلایل ردی پناهجویان ایرانی از قوانین و سیاستهای سرکوبگرانه حمایت میکند و کسانی را که بر علیه آنان مبارزه می‌کنند را بعنوان آشوبگر و مجرم رد می‌کند. اینها حق مردم را برای مبارزه و تغییر اوضاع و پایان دادن به ستم و نابرابری انکار میکنند. گفتن اینکه ایرانیان نباید بر علیه قوانین ضد بشری مبارزه کنند چرا که اینکار غیر قانونی است، مثل این است که به سیاهپوستان آفریقای جنوبی گفته می‌شد که نباید بر علیه آپارتاید نژادی مبارزه میکردند، چرا که قانون آن مملکت بود. یا اینکه به یهودی آلمانی گفته میشد که نباید از قوانین هیتلری سرپیچی میکردند چون آن قوانین نازی، قوانین مملکت بودند.

برای اینها مهم نیست که زندگی در ایران و کشورهای که اسلام سیاسی در قدرت است غیر قابل تحمل است.

مهم نیست که شهناز و فردوس ب و سیما به سنگسار محکوم شده اند. یا اینکه چند پناهجوی ایرانی که توسط مقامات استرالیایی رد شده و به ایران "داوطلبانه" بازگشتند، هنگام ورود به ایران بازداشت و یا ناپدید شده اند. یا اینکه کریم توژه‌لی در تاریخ ۲۴ ژانویه ۲۰۰۲ در زندان مه‌باد اعدام شد. ایشان پناهجویی بود که در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۹۸ بزور به ایران بازگردانده شد. یا اینکه خالد شوگی که ۵۰ سال سن دارد بزور از ترکیه به ایران بازگردانده شده و به حکم اعدام محکوم شده است. یا اینکه تازگی وند ده نفر حکم اعدام گرفتند و یا ۱۴۸ نفر، اکثراً زن، بخاطر "مفاسد اخلاقی" دستگیر شدند یا یا. البته دولت انگلستان هیچ علاقه‌ای به این حقایق ندارد چرا که سیاستهای پناهندگی قرار نیست از افرادی که از چنین شرایطی فرار کرده اند حمایت کند.

دولت انگلیس میگوید همه ایرانیان فراری "پناهندگان واقعی" نیستند. ما میگوئیم هستند. زندگی تحت آپارتاید جنسی، قوانین اسلامی و یک حکومت کثیف اسلامی به همان اندازه دلیل قبولی پناهندگی ایرانیان است تا شرایط در آلمان نازی برای یهودیان گریخته (هر چند همان موقع هم بسیاری از کشورهای غربی آوارگان یهودی را برگرداندند). به همان اندازه پناهجویان ایرانی حق پناهندگی دارند که سیاهپوست آفریقای جنوبی حق پناهندگی

IFIR Secretariat
PO Box 27236
London N11 2ZF
England

www.hambastegi.org

دولت انگلیس میگوید پول کافی در دست نیست که مخارج پناهجویان را با آن تامین کنند. ما میگوئیم هست. خود گزارش دولت انگلیس در سال ۱۹۹۹-۲۰۰۰ نشان میدهد که هزینه حمایت از پناهجویان از جمله کمک هزینه های اجتماعی، حقوقی، مسکن، بهداشت و آموزش ۵۹۷ میلیون پوند یا ۱۰ پوند و ۱۵ پنس از هر نفر در سال بوده است. اینها همه فقط ۱۷ دهم درصد (0.17) از مجموع کل مخارج دولت را در بر میگیرد. دولت انگلستان قرار است این رقم را با ساختن بازداشتگاهها، دیپورتها و کلاسهای آموزش جداگانه برای کودکان پناهجو چند برابر کند. شرکت "یورو تونل" ۶ میلیون پوند صرف تقویت حفاظت ترمینال فرانسوی این قطار کرده است. پناهجویان فقط ۷۰ درصد کمکهای اجتماعی شهروندان انگلیسی را دریافت میکنند. اگر به آنها هم مثل شهروندان برخورد میشد، تقریباً هیچ مخارجی برای دولت نمیداشتند. پول وجود دارند، فقط آنها نمیخواهند از این منابع بدرستی استفاده کنند. وقتی می خواهند، به اندازه کافی منابع وجود دارند که روی سر مردم افغانستان و عراق بمب بریزند. آنقدر پول دارند که به حکومت اسلامی ۲ میلیون و ۶۸ هزار پوند برای طرح "مبارزه با مواد مخدر" بدهند. طبق گزارشهای اپوزیسیون و سازمانهای حقوق مدنی می دانیم مخالفین رژیم بعنوان "قاچاقچی مواد مخدر" اعدام میشوند. در ۲۰ ماهه پنج نفر در مشهد تحت عنوان قاچاق مواد مخدر بدار آویخته شدند و ۱۷ ماهه یک جوان ۱۷ ساله به اسم رامین بخاطر خرید مواد مخدر به ۲۰ ضربه شلاق محکوم شد. و اما صحبت از منابع و مخارج ما را از موضوع اصلی دور میکند. آیا باید از تهیه امکانات برای تحقیقات سرطان خودداری کنیم، و مدارس و بیمارستانها را ببندیم چونکه مخارجشان بالاست؟ حقوق انسانها بستگی به مخارج آنها ندارد.

دولت انگلستان میگوید "سیل" پناهجویان به این کشور راه افتاده است. از یکطرف تلاش میکند از آمدن پناهجویان جلوگیری کند اما از طرف دیگر به نیروی کار آنها احتیاج دارد. جمعیت اروپائی رو به پیری میرود و مهاجرین لازم هستند که اقتصاد را حفظ کند. طبق گزارش سازمان ملل، آلمان برای مثال باید در پنجاه سال آینده سالانه نیم میلیون مهاجر وارد کند که بتواند نیروی کار فعلی اش را تامین کند. وزیر کشور "دیوید بلانکت"

قرار است دو طرح را اعلام کند که طبق آنها درها بر روی مهاجرین غیر ماهر و یا نیمه ماهر برای تامین نیروی کار مورد نیاز باز شود تا کمبودها در بخشهای اصلی اقتصاد پر شوند. وقتی میخواهند افکار عمومی را در این مورد اقناع کنند میگویند "آخرین آمار نشان می دهد که مهاجرین با کارگران موجود برای کار رقابت نمی کنند." می گویند "این تصور که فقط شمار مشخصی کار در بازار موجود است بی اعتبار است. مهاجرین همچنین میتوانند بخشهای اقتصادی را گسترش دهند و شغلها و کارهای تازه ای خلق کنند." اما به پناهجویان حق کار کردن را هم بطور همه جانبه نمی دهند تا مزدها را پایین نگه دارند.

بازداشتگاهها، اماکن غیر انسانی (یکی از جاهایی که می خواهند پناهجویان را مسکن دهند محلی است که ۱۰ هزار جسد گاوهای مبتلا دفن شده اند)، جداسازیها، ردیها و غیره همگی هدفشان این است که جلوی فرار را بگیرند و یا زندگی و پروسه را آنقدر غیر عادلانه کنند که دیگران را از آمدن بازدارد. هیچ منطقی در این مباحث وجود ندارد. شرایط را برای قربانیان سختتر کردن که قربانی را کاهش نمی دهد. می خواهند سنگات را ببندند. انگار اینکه اگر پناهگاههای بیخانمانها را ببندند، بی خانمانی از بین می رود! نمیتوان جلوی خشونت خانوادگی را با بستن پناهگاههای زنان را گرفت. نمی توان جلوی فرار انسانها را با بستن سنگات، سیاستهای ضد بشری و تحقیر گرفت. می آیند بخاطر اینکه چاره ای ندارند.

البته راه حل منطقی برای همه اینها هست. بجای همکاری با یک رژیم جنایتکار دولت انگلیس می تواند روابط سیاسی با و حمایت از رژیم اسلامی و اسلام سیاسی را قطع کند. خود این به امر مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی در ایران کمک می کند و پیش شرط کاهش فرار مردم از ایران است. دولت انگلیس می تواند حقوق برابر پناهجویان را برسمیت بشناسد. این به پناهجویان اجازه می دهد تا مانند انسانهای برابر در انگلستان کار و زندگی کنند. دولت انگلیس می تواند تغییر سیاست دهد. شرط لازم برای این اما تنها فشار از پایین است. این تنها راه حل منطقی و واقعی است.

IFIR Secretariat
PO Box 27236
London N11 2ZF
England

www.hambastegi.org

IFIR Secretariat
PO Box 27236
London N11 2ZF
England

www.hambastegi.org